

## حقيقت فتوحات اسلام و صده ماده پرستان

ما اگر می خواهیم آنچه اسلام در مورد لشکرکشی، جنگ، قتال و گسترش دائره فتوحات دارد بدانیم باید نخست هدف و طبیعت این لشکرکشی را جویا شویم تا حقیقت آنرا دریابیم و بیهوده در مورد آن لشکرکشی که بشریت را از او هام، سرکشی، بغاوت، جاهلیت نجات داد تهمت بیجا نبندیم و الزام تراشی نکنیم، ما اگر بدانیم که این لشکرکشی برای دست آورد والای ربانی صورت گرفت تا دین اسلام دین تمام بشریت باشد و چونکه الله تعالی آنرا برای همه بشریت برگزیده است هرگز از تمدن مادی غرب که انسان در آن جز اله بیش حیثیت ندارد متأثر نمی گردیدیم، ما اگر تفاوت لشکرکشی اسلام و غرب را دریابیم هرگز به اساسات دین مبین اسلام که يك دین جهانی است و آن لشکرکشی صدر اسلام هم جز مهم آن است گستاخی نخواهیم کرد، بدینمنظور می خواهیم حقیقت فتوحات اسلام را در روشنی اقوال يك مفکر مختصراً زیر بحث گیریم.

درین شکی نیست که جهان مادی غرب از حقیقت فتوحات اسلامی و اهداف آن درک کامل ندارد و گسترش و وسعت آنرا در جهان در سایه شمشیرها، و رسیدن به اطماع مادی میبندارند، بلکه عدد بزرگ از مسلمانان هم از درک کردن حقیقت فتوحات اسلام و اهداف آن بیگانه هستند، و وسعت دایره فتوحات عسکری را دست آورد برای دین مبین اسلام می پندارند. اینها و آنها در درک نمودن طبیعت فتوحات اسلام و حقیقت اسلام و بی بردن با اهداف و الایش یکسان هستند، پس شایسته است تا برای اینها و آنها مفکوره اسلامی و طبیعت فتوحات اسلام و آن تصویر مزوری که از گسترش و حقیقت اسلام در کله های شان ذهن نشین شده است تصحیح شود.

الله تعالی می فرماید ( لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی )

و همچنان می فرماید ( یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و أنثی ، و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ) .

و از رسول الله (ص) پرسیده شد ( الرجل یقاتل للمغمم ، و الرجل یقاتل للذکر ، و الرجل یقاتل لیری . فمن فی سبیل الله ؟ فرمود ( من قاتل لتکون کلمة الله هی العلیا فهو فی سبیل الله )

این نصوص فوق الذکرا آنچه در مورد طبیعت جنگ های اسلامی و فتوحات اسلام وجود دارد و حقیقت آن پرده برمیدارد، و چنین شرح میدارد :

اسلام اصلاً نمی پذیرد که برای داخل شدن کسی جبراً در اسلام جنگ برپا شود و یا فتح صورت گیرد، بدینمنظور همه آن جنگ ها را نمیپذیرد که باساس همچو تعصب دینی که جبراً منجر بداخل شدن کسی به اسلام می انجامد صورت گیرد، جنگهای که بشریت خانمانسوزی و ویرانی آن را در جنگ صلیبی، و کشتار مسلمین در اندلس بدست اسپانیایان، و جنگ های بی شمار دیگر چشیده است، و غرب استعماری این روند تصادم را بامسلمانان در طول تاریخ ادا مه داده است که تاکنون بشریت از آن رهائی ندارد، و از تباهی آن می نالد و همچنان جنگ های صده که ترکانی و امثالهم گرویده آنست در جهان اسلام که صلیبهای بی مروت آنرا به راه انداخته است، همه جهان اسلام را همچو کره آتش گردانیده است، که عادتاً غرب برای براه انداختن چنین جنگ ها عنوان های دیگری غیر از تعصب دینی را بکار میبرند اما هدف اصلی در همه جنگ هایشان علیه جهان اسلام همانا تعصب دینی میباشد، و می خواهند در راه گسترش دین الهی که از اذل تا ابد اسلام است و اسلام خواهد بود ایستاده شوند.

اسلام نمیپذیرد که بقصد سپردن قدرت بکدام فرد و یا نژاد معین جنگ برپا شود یا هم فتح صورت گیرد، و مردم فقط برای معرفت و شناخت به قبائل و ملت ها تقسیم گردیده اند، کسی هم حق ذلت کسی را ندارد، و کسی هم بالایی نژاد معین و یا رنگ معین برتری ندارد، زیرا اسلام تمام آن جنگها را نمیپذیرد که باساس تعصب لسانی، نژادی، یا رنگ برپا شود، که تا اکنون بشریت تلخی و تباهی آنرا میچشد و چشیده است، حتی درین عصر حاضر که همچو ترکانی ها به ترقی و تمدن آن می بالند و جز بریادی و تباهی برای بشریت ارمغان ندارند.

و همچنان اسلام نمیپذیرد که بقصد بدست آوردن غنایم و غارت ثروتهای دیگران جنگی برپا شود یا فتح صورت گیرد، مانند غرب که برای غارت ثروت ممالک اسلامی بذریعه ابزار تباه کننده جنگی خود که از دست آورد بزرگ تمدن و پیشرفت مادی شان محسوب میگردد لشکرکشی نموده است بدینمنظور تمام آن جنگ های استعماری را نمیپذیرد که برای دست آورد اقتصادی صورت گیرد، مانند بدست آوردن نقطه های استراتژی، دست آورد های عسکری، قبضه کردن به بازار های تجارتي، و استغلال ثروتهای زیر زمین و موارد طبیعی، اینگونه فتوحات را اسلام نمیپذیرد، جنگهاییکه تا اکنون بشریت از آن می نالد، جنگ هایکه تمدن فعلی غرب بان استوار است .....

و نیز اسلام نمیپذیرد که بقصد ستایش و بزرگی شخصی ملوک و پادشاهان جنگ برپا شود و یا فتح صورت گیرد ، و یا برای ارضا خواهش شهرت ، بزرگی ، و تسلط که بالای همچو اشخاص حاکم شده است مردم جان خود را از دست دهد ، و جنگی برپا شود یا فتح صورت گیرد .

پس برای فتح و جنگ اسلام يك هدف و يك دست آورد است که عبارت از فرموده رسول الله (ص) ( من قاتل لنتون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله ) کسیکه رزمید تا کلمه خداوند بلند باشد آن رزمیدن در راه خدا است . پس این مفکوره ای اسلام است و می خواهد این مفکوره را نشر کند و میکوشد این مفکوره تحقق پذیر شود ( کلمة الله هي العليا ) تا کلمة خداوند بلند باشد . پس کلمة برگزیده خداوند درین حدیث چیست ؟ و طبیعت آن چطور است ؟ و حدود آن چیست ؟ پس بر ما است تا طبیعت و حدود این مفکوره را درک کنیم تا طبیعت فتوحات اسلامی را بدانیم ، و برای اینکه فرق میان فتوحات اسلامی و فتوحات عسکری دیگر را دریافته باشیم و سپس پی ببریم که فتوحات اسلامی در چوکات مفکوره اسلامی بوده یا خیر .

خداوند جل عزمته فرموده است ( ان الدين عند الله الاسلام ) ( و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه ) ترجمه : یقیناً دین نزد خداوند (ج) اسلام است . و کسیکه غیر از اسلام دینی را می خواهد از او پذیرفته نمیشود . تحقق پذیر شدن مبدأ کلمة الله هي العليا و گردانیدن کلمة الله بلند ترین کلمة ها خود ضامن میگردد تا دین (اسلام نزد خدا ) دینی باشد برای همه بشریت و اسلام نزد خدا یعنی اخلاص قلب تنها برای خداوند قادر و توانا نه به ذات دیگر ، و نظریه اسلامی میگوید : که همه رسول ها قبل از محمد (ص) همین اسلام را آورده بودند و همه رسالات بهمین اساس برپا شده بود ، و رسول الله (ص) اسلام را در شکل اخیرش طوریکه الله تعالی برای بشریت ارزانیده است آورد ، زیرا باید همه مردم به اسلام رو آورند تا کلمة خداوند بلند باشد و کلمة خداوند در روی زمین تحقق پذیر گردد ، و این یکی از معنا های کلمة الله هي العليا درین سیاق است .

اما رو آوردن مردم به این دین اخیر ( اسلام ) نباید از دائره آن روند که آنرا اسلام برگزیده است خارج گردد ( لا اکره فی الدین ) از رسول اسلام و وابستگان به اسلام خواسته شده تا مردم را به اسلام بروش نرم و موعظه حسنه ( ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ) دعوت کنند .

اگر کدام قوت مادی بر سر راه گسترش دعوت اسلام ایستاده میشود و جلو وسعت آنرا میگرد اینجاست تا برای نابود کردن آن سلاح برداشته شود تا دعوت برای اسلام که دین همه بشریت است حریت خود را حفظ کرده باشد ، و همچنان و قتیکه این قوت مادی بر آنهاییکه با اساس اراده خود به اسلام رو آورده اند تجاوز کند و آنها را از دین خویش باز دارد باید قتال شود تا آزادی عقیده سلب نشده باشد : ( وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ) و در همچو مواضع معنا قتال برای بلند بودن کلمة الله آشکار است ، و کلمة الله در همچو مواضع به معنای آزادی عقیده و آزادی دعوت است ، و هر قوت مادی که در مقابل این دو آزادی و یا یکی از آن می ایستد قوت متجاوز و مخالف کلمة الله که انسان را کرامت بخشیده است میباشد ، پس هر قوتیکه در راه گسترش و وسعت کلمة الله می ایستد و هر قوتیکه جبراً بذریعه زور عقیده را بالای مردم می قبولاند قوتها مخالف کلمة الله است و باید در مقابل شان قتال صورت گیرد و این قتال در حقیقت در راه خدا (ج) است .

و در همین مسیر جنگ های صدر اسلام و فتوحات اولی اسلام صورت گرفته است ، فتوحاتیکه اسلام را در جزیره عرب و خارج از آن نشر نمود و باید خاطر نشان شود که دعوت برای اسلام قبل از این فتوحات و جنگ ها صورت گرفته است ، و جنگ در راه دین در دو حالت صورت گرفته است ۱- وقتی کدام قوت مادی در راه گسترش دین همه بشریت اسلام ایستاده شده باشد . ۲- و یا هم در صورتیکه قوت مادی گروهی از مسلمانان یا افراد را از اسلام باز دارند ، درست است که بعضی ها برای بدست آوردن غنایم و خواهشات شخصی در جنگ رو آورده اند مگر عملکرد افراد درین مسئله معیار شده نمیتواند معیار درین مسئله هدف قیادت است ، ما نباید يك دولت را که در جنگ داخل شده باشد و بعضی عساکر آن قصد غارت یا چپاول را داشته باشد با اساس تصرف آن افراد محاسبه کنیم اگر ما می خواهیم بان دولت محاسبه کنیم باید با اساس فکر و هدف که بخاطر آن داخل جنگ شده است محاسبه کنیم . و درین شکی نیست که قیادت اسلامی در فتوحات نخست و جنگها بعدی یگانه هدفیکه داشت آن این بود تا کلمة الله بلند باشد ، و دین اسلام دین تمام بشریت باشد نه از راه جبر بلکه از راه دعوت ، و تمام لشکرکشی را در راه ضمانت حریت دعوت و آزادی عقیده براه انداخته است و در همه ممالک که فتح شد اعلان نمود که هدف اول و آخر دعوت بدین تمام بشریت اسلام است .

اما آنچه از دشمنان اسلام در مورد فتوحات اسلام و گسترش آن بدست تبلیغات داده میشود ، از تعصب دینی شان به اسلام سرچشمه میگیرد و یا هم از تفسیر نادرست با اساس قیاس مؤرخین غربی که جنگ های خویش را با فتوحات اسلام قیاس کرده اند ، و یا هم از قیاس نادرست اهداف فتوحات اسلامی با اهداف جنگ های گذشته و کنونی استعماری غرب و طوریکه نزد ترکانی و امثالهم ذهن نشین شده است ، چونکه آنها می پندارند که جنگ های اسلامی هم مانند جنگ های ماده پرستان برای اهداف مادی صورت گرفته است در حالیکه در تاریخ اسلام هیچ جنگی از طرف قیادت اسلام برای بدست آوردن اهداف مادی براه انداخته نشده است ، هر جنگ و فتح که صورت گرفته تنها

و تنها برای هدف ایمانی، آزادی عقیده و حریت دعوت براه انداخته شده. ، اسلام برای بدست آوردن زمین، ثروت، غنیمت، ..... هرگز جنگی را براه نه انداخته است.

برای ترکانی ضرور است تا در پهلو تاریخ طبری تاریخ سیاه و ننگین دشمنان اسلام را هم مطالعه کند تا کله اش کار کند تاریخ را ورق بزنید در تاریخ ثبت است: و قتیکه لشکر ها مسلمانان بوادی اردن رسید و ابو عبیده سپه سالار اردو مسلمانان در فعل اقامت گزین شد، پس باشنده های مسیحی این دیار به مسلمانان نوشت: یا مسلمانان شما برای ما بهتر استید از قوم روم باینکه آنها همدین ما استند، شما بیشتر از ایشان بما وفا کردید و به ما مهربانتر اید و ما را اذیت نمیکنید و ولایت شما بر ما بهتر از آنها ست، مگر آنها بردارائی ها و خانه ها میان مسلط شدند ( همچنان اهل حمص دروازه ها شهر خود را بروی هرقل بندیدند و با مسلمانان پیغام فرستادند که ولایت و عدل شان بهتر از ظلم و جور اغریق است.

فتوحات اسلام و جنگ های اسلامی در تاریخ بشریت فتوحات بینظیر است، چون جنگ های اسلامی برای بدست آوردن زمین ها و ذخائر آن نبود بلکه برای بدست آوردن قلب های باشندگان این زمین براه انداخته شد هر انسان مخلص برای انسانیت اگر طبیعت و حقیقت فتوحات اسلام را بداند پس آرزومند خواهد شد تا اسلام تمام روی زمین را در بر گیرد با بیداری مسلمانان و فهمیدن به هدف فتح اسلام ..... ان شاء الله این هدف تحقق پذیر خواهد شد.

نوت: از برادر گرامی بنیاد صاحب جهان سپاس که در مورد بنده حسن نظر کرده اند و من را به مسولیت دینی ام متوجه گردانیده است قصد داشتم که بنا به خواهش برادرم بنیاد صاحب چیزی بنویسم مگر چون خود بنیاد صاحب در رابطه به موضوع مفصل نوشته بودند و این موضوع هم مهم بود لذا درین مورد رأی خود را نوشتم، امید است مورد استفاده خوانندگان محترم سایت واقع شود. والسلام